



قلعه رودخان بزرگ‌ترین دژ گیلان

تاریخچه و معماری

پژوهش و تألیف:
آذر صادقی‌نژاد مقدم

۱۳۸۷

پرسشنامه	صادقی نژاد مقدم، آذر، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآورنده	قلعه رودخان بزرگترین دژ گیلان، تاریخچه و معماری / مؤلف آذر صادقی نژاد مقدم.
مشخصات نشر	تهران: گنجینه هنر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	۲۶۴ص: مصور (بخشی رنگی)، نقشه، جدول.
شابک	978-964-8756-11-1
وضعیت فهرست نویسی	فیفا :
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۹۲- ۱۸۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	قلعه رودخان.
موضوع	فومن - آثار تاریخی.
رده بندی کنگره	ص ۲ و ۲۱۱ DSR
رده بندی دیویی	۹۵۵/۲۳۵۲:
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۵۴۸۸۵:

Email: Sadeghinejad@ymail.com



قلعه رودخان؛ بزرگ ترین دژ گیلان

مؤلف: آذر صادقی نژاد مقدم

ویراستار: شهرناز اعتمادی

ناشر: گنجینه هنر

عکاس: خسرو شهبازی

تیراژ: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

حروفچینی و صفحه آرای: خسرو شهبازی - نوآور

لیتوگرافی و چاپ: نقش آور - توسکا گستر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۵۶-۱۱-۱

نشانی: تهران - خ ستارخان - خ تهران ویلا - خ شهید زارغ - پلاک ۵۸ - طبقه ششم

تلفن: ۶۶۵۱۱۸۲۳

تلفن پخش: ۶۶۵۱۱۸۲۳

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه ناشر
۱۳	مقدمه شادروان دکتر آذرنوش
۱۵	پیشگفتار
۲۱	فصل اول
۲۳	جغرافیای گیلان
۲۳	جغرافیای فومن
۲۵	جغرافیای قلعه رودخان
۲۷	تاریخ گیلان
۲۷	قبل از اسلام
۲۹	عصر اسلامی
۳۰	دوران طاهری و صفاری
۳۰	دوره سامانی
۳۱	دوره غزنوی
۳۲	دوره سلجوقی
۳۲	دوران مغول و ایلخانی
۳۴	دوره صفویه
۳۸	دوران افشاریه و زندیه
۴۱	معماری نظامی در شمال ایران
۴۳	پیشینه پژوهش درباره قلعه رودخان
۴۵	فصل دوم

۴۷.....	خصوصیات کلی نقشه دژ و موقعیت زمین‌های اطراف (ژئومورفولوژی)
۴۷.....	راه دسترسی به قلعه رودخان
۵۰.....	توصیف دژ (جزئیات نقشه)
۵۰.....	ورودی و هشتی اصلی
۵۱.....	بنای شماره ۱
۵۲.....	دروازه شرقی
۵۳.....	بنای شماره ۵
۵۴.....	بنای شماره ۲۱
۵۵.....	بنای شماره ۱۱
۵۵.....	بنای شماره ۱۲
۵۶.....	آب‌انبار
۵۷.....	بنای شماره ۳۲
۵۷.....	بنای شماره ۳۶
۵۸.....	بنای شماره ۴۵
۵۸.....	بام
۶۰.....	گنبد و گوشه‌سازی
۶۳.....	سقف
۶۴.....	۱. روش تیریزی یا تیربندی (واشان‌کشی)
۶۵.....	۲. روش ترکیبی یا دوگانه
۶۶.....	۳. روش احداث گنبد عرفجین (تشتی)
۶۷.....	بارو* و در دوم
۶۷.....	باروی شماره ۵
۶۸.....	در دوم
۶۹.....	تیرکش

۶۹	۱. تیرکش‌های ساده
۷۰	۲. تیرکش‌های طاقدار
۷۰	۳. جان‌پناه‌ها
۷۱	آبریزگاه شماره ۷
۷۱	ایوان
۷۲	بخاری دیواری و گرمخانه
۷۵	تونل
۷۶	یافته‌های دژ
۷۶	یافته‌های سنگی
۷۶	یافته‌های آجری
۷۶	یافته‌های سفالی
۷۷	یافته‌های فلزی
۷۹	فصل سوم
۸۱	مصالح
۸۵	پوشش (اندود)
۸۶	تزئینات
۹۲	کاربری
۹۲	بناهای در امتداد بارو
۹۲	دروازه شرقی
۹۴	برج شماره ۵
۹۵	برج شماره ۱۱
۹۶	در دوم
۹۶	آب انبار و سردخانه
۹۷	شاه‌نشین

۹۸.....	سرویس‌های بهداشتی (حمام، آبریزگاه).....
۹۸.....	حمام.....
۹۹.....	آبریزگاه.....
۹۹.....	بناهای داخل حیاط دژ و کاربری آن‌ها.....
۱۰۰.....	بناهای بخش شرقی حیاط.....
۱۰۱.....	بناهای بخش غربی حیاط.....
۱۰۱.....	مقیاسه معماری قلعه رودخان با برخی دژها.....
۱۱۲.....	ملاحظات در زمینه معماری دژ.....
۱۱۵.....	فصل چهارم
۱۱۷.....	تاریخچه قلعه رودخان و تفریر آن.....
۱۱۸.....	قلعه رودخان در پیش از اسلام.....
۱۲۲.....	قلعه رودخان و اسماعیلیه.....
۱۲۴.....	تاریخ اسماعیلیان.....
۱۳۰.....	قلعه رودخان در زمان محمد بن بزرگ‌امید سومین حاکم اسماعیلی.....
۱۳۱.....	قلعه رودخان در زمان حسن دوم چهارمین حاکم اسماعیلی.....
۱۳۲.....	قلعه رودخان در زمان محمد دوم پنجمین حاکم اسماعیلی.....
۱۳۵.....	قلعه رودخان در زمان حسن سوم ششمین حاکم اسماعیلی.....
۱۳۹.....	قلعه رودخان در زمان محمد سوم هفتمین حاکم اسماعیلی.....
۱۴۳.....	قلعه رودخان در زمان رکن‌الدین خورشاه هشتمین حاکم اسماعیلی.....
۱۴۳.....	نتیجه‌گیری.....
۱۴۴.....	قلعه رودخان و حکومت مرکزی ایران.....
۱۴۴.....	تاریخ سلجوقیان در واپسین سال‌های حیات سیاسی.....
۱۴۵.....	قلعه رودخان در زمان سنجر و سلاطین نیمه غربی امپراتوری سلجوقی.....
۱۴۵.....	تاریخ خوارزمشاهیان مقارن سال‌های احداث دژ.....

قلعه‌رودخان در زمان تکش خوارزمشاه.....	۱۴۸
قلعه‌رودخان در زمان محمد خوارزمشاه.....	۱۴۸
قلعه‌رودخان در زمان جلال‌الدین خوارزمشاه.....	۱۵۰
قلعه‌رودخان در زمان مغولان.....	۱۵۱
نتیجه‌گیری.....	۱۵۱
تاریخ حکام محلی.....	۱۵۲
علت‌العلل احداث قلعه‌رودخان (با مقایسهٔ اجمالی وضعیت کانون‌های متعدد قدرت).....	۱۵۹
سازندگان قلعه‌رودخان.....	۱۶۵
نقش احتمالی حکام محلی در احداث قلعه‌رودخان.....	۱۷۳
علت‌العلل احداث دژ.....	۱۷۴
کشیهٔ قلعه‌رودخان، تاریخ و علت ایجاد آن.....	۱۷۶
آخرین مرمت قلعه‌رودخان.....	۱۸۷
فصل پنجم.....	۱۹۳
خلاصهٔ پژوهش و نتیجه‌گیری.....	۱۹۵
واژه‌نامه (واژه‌های ستارهدار).....	۱۹۸
کتابنامه.....	۲۰۸
فهرست جدول‌ها و نمودارها.....	۲۱۶
فهرست نقشه‌ها.....	۲۱۷
فهرست تصاویر داخل متن.....	۲۱۸
تصاویر رنگی.....	۲۳۵
نمایه.....	۲۴۵

مقدمه ناشر

آثار تاریخی یادمان‌های ارزنده‌ای از گذشته و بخشی از تاریخ فرهنگ و هنر کشور به حساب می‌آیند که شناخت و شناساندن آن نخستین گام در درک درست هویت تاریخی ملت ماست.

بی‌گمان دژ عظیم قلعه رودخان، جایگاهی رفیع در تاریخ و معماری ایران دارد. وسعت، صلابت، عظمت، زیبایی، تاریخی پرباقه، برج و باروهای عظیم، طبیعتی بس زیبا و دل‌انگیز، از دژ قلعه رودخان میراثی جاویدان ساخته است.

هر چند از دیدگاه بعضی محققین این دژ یکی از عجایب هفتگانه گیلان به شمار می‌رود، ولی به حق باید آن را در میان قلاع تاریخی اثری ممتاز و در میان آثار تاریخی پهنه ایران زمین، اثری بی‌همتا و بی‌بدیل به شمار آورد. بنابراین مسلم و بدیهی است که این بنای سترگ، علاوه بر محتوی فرهنگی که شایسته ثبت جهانی است، می‌تواند یکی از سرمایه‌های عظیم اقتصادی در صنعت گردشگری به حساب آید. طراحی و ساخت این مجموعه از نظر مکان‌یابی بر بلندای قله‌های رفیع، مشرف به محیط اطراف به عنوان دفاع غیرعامل با وسعت زیاد، بر اساس آگاهی کامل از هدف صورت گرفته است.

طراحی فضای باز، فضاهای محصور، چگونگی ارتباط این فضاها، سر در عظیم، باروهای طولانی، برج‌های متعدد، شاه‌نشین بلند، ایجاد مجموعه‌هایی جهت رفیع نیازهای عمومی ساکنان قلعه در هنگام محاصره‌های شدید و طولانی، استفاده از صدها پلکان که ارتباط فرازا و نشیب‌ها را فراهم می‌ساخت، همه و همه این بنا را به عنوان یک اثر استثنایی مطرح کرده است.

هر چند همین ویژگی‌ها توجه محققین به خصوص گردشگران و علاقمندان به میراث فرهنگی طبیعی را به خود جلب نموده، اما تحقیقات زیادی در این مورد انجام نپذیرفته و تعداد معدودی که این بنا را اساس تحقیق خود قرار داده‌اند، از تدوین

مقاله‌ای پا فراتر نگذاشته‌اند.

آنان که مسیر طولانی صعود به قلعه را با مشکلات پیموده، و عظمت و وسعت قلعه را از نزدیک مشاهده کرده‌اند؛ و یا آنان که با مطالعه کتاب حاضر با این بنای معظم آشنا شده‌اند، تلاش‌ها و تحقیقات ارزنده و موشکافانه محقق دانشور سرکار خانم آذر صادقی نژاد مقدم را ارج خواهند نهاد.

کتابی که در پیش روست حاصل تلاش‌های مجدانه مشارالیه است که در تحقیق خود با مشاهدات استاد به متون تاریخی، کتیبه‌ها به یک دوره تاریخی ساخت بنا دست یافته و آزمایشات ترمولومینسانس نیز بر این سالیابی صحیح و اصولی صحه‌گذارده است. ان خداوند منان برای این پژوهشگر فرهیخته توفیق و موفقیت آرزو مندیم.

ناشر ۱۳۸۷

مقدمه شادوان دکتر آذر نوش

در گذر تاریخ هزاران سالهٔ ایرانشهر توفان‌های خرد و کلان جای‌جای این سرزمین را درنوردیده است. گرچه این سرنوشت محتوم همهٔ سرزمین‌هایی است که تاریخی طولانی دارند. رویارویی با این توفان‌ها، یا رویدادهای تاریخی، نیازمند ابزاری است و جوامع می‌آموزند که در طول تاریخ بهترین ابزار را برای بقای خود به کارگیرند و تأسیسات دفاعی از جمله ابزاری است که جوامع برای دفاع از خود ابداع کرده‌اند.

شاخص‌ترین یا نام‌آورترین این تأسیسات دفاعی دیوار چین است، اما دیوار معروف چین تنها نیست. در ایران نیز همسان این دیوار برپا بوده، اما اکنون کمتر کسی است در جهان که دیوار گرگان، یا سد اسکندر را که در عصر ساسانیان سرزمین‌های بارور گرگان را از بیابان‌های دهستان، در ترکمنستان امروزی، جدا می‌کرده بشناسد. در جای‌جای این دیوار بلند، که زمانی صدها کیلومتر از مرزهای شمال‌شرقی ایرانشهر را از هجوم بیابان‌گردان محافظت می‌کرده، دژهای بسیار سربرافراشته بوده است و اگر ما هم می‌توانستیم بخش‌هایی از این تأسیسات بزرگ را، که نیاکانمان برپا کرده‌اند، بازسازی کنیم، همسان آن بخش از دیوار چین که امروزه بازسازی شده، می‌توانستیم بازدیدگران بسیاری را هر روزه به دیدار آن بخوانیم.

ایرانیان در طول تاریخ خود هزاران دژ ساخته‌اند. حوادث خرد و کلان در تاریخ کهن ایران، ایرانیان را برآن داشته تا در جای‌جای قلمرو این سرزمین، از زمان‌های دور، تأسیسات دفاعی متعددی برپا سازند، که بسیاری از آن‌ها شهره شده‌اند. برخی در اساطیر، مثل ورجمکرد، و برخی در واقعیت، همچون تأسیسات دفاعی ایرانشهر در غرب فرات، از زمان ساسانیان. الموت، دژی بر ستیغ سربلند کوه و ساختهٔ حسن صباح، گویی. معروف‌ترین این‌هاست. اما، قلعه رودخان، در گیلان، بی‌تردید جذاب‌ترین‌شان

است. قلعه رودخان همچون الموت شگفتی‌آفرین است، اما زیبایی شگرف زیست‌بوم کوه‌های سرسبز گیلان را با عظمت دژی سترگ در آمیخته است.

قلعه رودخان، به رغم شکوهش، دژی بود تنها، در فراخنای جنگلی انبوه، بر سستیغ دست‌نیافتنی کوهی بلند و گویی در فراموشخانه تاریخ گیلان از یاد رفته بود. ذکر گاه‌به‌گاه ناشی در برخی منابع، جز به‌ندرت کنج‌کاوی هیچ پژوهشگری را برنمیگيخته بود و حاصل کاوش‌های این بنای تاریخی هنوز منتشر نشده و، از این رو، کسانی که با مؤسسات مسئول امور میراث فرهنگی ارتباط مستقیم نداشتند از دسترسی به این نتایج محروم بودند.

پرداختن به این مهم شجاعت بسیار می‌خواست، کاری بود سترگ. هم توان جسمانی می‌طلبید و هم عزمی حزم. دشوار بود، در آغاز این راه، تصور موفقیت دانشجوی جوانی که بر آن شده بود این دژ را بشناسد و بشناساند، اما، این دانشجوی آن روزگاران نشان داد که همت والا همواره ره‌آوردی شیرین دارد.

به عنوان کسی که از نزدیک شاهد تلاش‌های خستگی‌ناپذیر این پژوهشگر تازه‌نفس و پویا بوده‌ام خوشحالم که اکنون نتایج پژوهشی که سال‌ها پیش آغاز شده و راهی دشوار را، چه از منظر عینی و چه از دیدگاه نظری، پیموده، به دستداران میراث بزرگ این سرزمین کهن عرضه می‌شود و امید دارم که این راه، هم برای مؤلف محترم این کتاب و هم برای دیگر هم‌میهنان جوان ما، ادامه یابد.

بقای مادی و معنوی ما جز از راه تولید علم مقدور نیست و گستره فراخ ایران‌شهر آکنده از پرسش‌هاست، پرسش‌هایی که پاسخ‌های عالمانه می‌طلبند و فراهم ساختن این پاسخ‌ها نیازمند همت والای پژوهشگرانی است که، همچون مؤلف این کتاب، سختی‌ها را برای پیشبرد دانش، و اعتلای میهن خود، به جان بخرند.

پیشگفتار

تو اهل صحبت دل نیستی چه می‌دانی که سر به دژ کشیدن چه عالمی دارد

دژهای کوهستانی در سرزمین ایران فراوان و پراکنده‌اند. این دژها غالباً در محل‌های صعب‌العبور احداث شده‌اند. شاید همین دور از دسترس بودن آنها از دلایلی باشد که تاکنون در مورد هیچ یک از آنها تک‌نگاری نوشته نشده و پژوهش اساسی صورت نگرفته است.

از سوی دیگر تردیدی نیست که معماری دژ گونه‌ای از معماری است که به گذشته تعلق دارد. معماری نظامی‌ای که قرار است در برابر تیر و کمان و منجنیق مقاومت کند. با امکانات نظامی امروزی دژسازی کاری بی‌معنا است. با توجه به این نکته به اهمیت حفظ و پژوهش آثار برجایمانده این گونه معماری پی می‌بریم. در حالی که غالب این دژها در کوهستان‌های پرت و دورافتاده، بدون کمترین حفاظتی رها شده‌اند. دژها بسیارند و فرصت ما اندک است.

در این کتاب یکی از بزرگ‌ترین و البته سالم‌ترین دژهای کوهستانی ایران برای نخستین بار بررسی شده است. بدون اینکه پژوهشگر به کوچک‌ترین کوششی دست بزند.

اگر چه غالباً نخستین پژوهش‌های علمی از کارهایی که پشتوانه پژوهشی طولانی‌تری دارد، سخت‌تر است، تجربیات ارزشمندی برای پژوهشگر به ارمغان می‌آورد. بدون تردید شوق معرفی این بنای عظیم اما ناشناخته، روزهای بارانی و دلگیر دژ را طی شش سفر برای نگارنده قابل تحمل می‌ساخت.

در اینجا ذکر چند نکته در مورد روش تألیف این کتاب ضروری به نظر می‌رسد:

در شماره‌گذاری و توصیف واحدها، با ورودی اصلی دژ شروع کرده به داخل دژ

وارد شده‌ام. در داخل دژ توصیف را از برج سمت راست آغاز کرده مطابق چرخش عقربه‌های ساعت تمام باروی دژ را دور زده با توصیف برج سمت چپ ورودی اصلی کار شماره‌گذاری و توصیف را به پایان برده‌ام. حتی برج‌های شماره ۵ و ۲۲ که در طرفین یک هشتی واحد در دروازه شرقی قرار دارند نیز از این قاعده مستثنا نشده‌اند.

بررسی بناها گویشی نبوده و تمامی بناها از کوچک و بزرگ، زشت و زیبا، سالم و مخروبه مطابق الگویی واحد شماره‌گذاری، بررسی و برخی از آن‌ها، یعنی آن دسته از بناهایی که بیشترین اطلاعات را دربردارند، توصیف شده است.

در شماره‌گذاری باروها، برای هر بخش از بارو در حد فاصل بین دو بنا یک شماره در نظر گرفته‌ام. چه دو بنا ده‌ها متر فاصله داشته یا فاصله آن‌ها کمتر از یک متر باشد و با رسیدن به بناهایی که بسیار زیاد و حتی ۱۰۰٪ تخریب شده و امروزه فقط پایه‌های سنگی آن‌ها پابرجاست، بار هم شماره بارو را تغییر داده‌ام، تا به این نحو توجه را به بنایی جلب کنم که اثری از آن باقی نمانده. با طراحی جدول‌های پایان کتاب نیز ابعاد و عناصر و خصوصیات هر یک از بناها و باروها را آورده‌ام.

به دلیل اختلاف سطح بسیار در حیاط دژ از واژه همکف استفاده نکرده و برای وحدت رویه در تمامی بناها طبقه اول و دوم آورده‌ام.

مبنای تمامی اندازه‌ها وضعیت در زمان بررسی و توصیف است، برای نمونه ارتفاع طاق‌ها و قوس‌ها همیشه از تاج قوس اندازه‌گیری شده و اگر کف زمین زیر طاق به‌مرور بالا آمده تلاشی برای دستیابی به کف اصلی صورت گرفته و ریزه دستیابی به کف اصلی نیازمند حفاری بوده است.

عمق همه قوس‌ها و طاقنماها و ... به خط مستقیم از وسط اندازه‌گیری شده، زیرا به دلیل کوهستانی بودن زمین دژ در بسیاری موارد اختلاف مختصری در زوایای موازی یک عارضه مشخص دیده می‌شود.

از آنجاکه دژ کاوش نشده، تحلیل و نتیجه‌گیری عمدتاً بر اساس منابع تاریخی و آثار معماری برجامانده و قابل رؤیت است.

درباره هر دوره تاریخی که در مرمت و استفاده شده، حتی الامکان از منابع دست اول و نزدیک به تاریخ مورد بحث استفاده کرده‌ام. برای مثال وقایع تاریخ اسماعیلیه بر اساس نوشته‌های جوینی و رشیدالدین فضل‌الله و نسوی است. از تواریخ محلی منبع عمده ما در آغاز تاریخ طبرستان اثر ابن اسفندیار است. و از منابع مورخان بعدی مانند میرظهیرالدین موعشی و اولیاء الله آملی، که عمدتاً آثارشان تکرار نوشته‌های ابن اسفندیار است، صرف‌نظر کرده‌ام؛ مگر آنکه مربوط به واقعه‌ای جدیدتر بوده باشد که ابن اسفندیار در خصوص آن خاموش است.

واژه‌های فنی و محلی را در متن با علامت ستاره مشخص کرده و در بخش واژه‌نامه توضیح آن‌ها را آورده‌ام.

اکنون که خوشبختانه حاصل این پژوهش مراحل چاپ را طی می‌کند، برخود لازم می‌دانم، از استاد بزرگوارم دکتر مسعود آفرنوش سپاسگزاری کنم، که علاوه بر بهره‌مندی از کلاسهای پربار ایشان در دوره کارشناسی ارشد و همکاری‌های بی‌دریغ ایشان در مقام ریاست وقت پژوهشکده باستان‌شناسی، بی‌طرفی در مسائل علمی و پژوهشی را از ایشان آموختم.

علاوه بر ایشان بر خود لازم می‌دانم از کسانی تشکر کنم که بدون همراهی‌شان این پژوهش ممکن نمی‌شد:

استاد عزیزم دکتر هاید لاله که شناخت بهتر دوره اسلامی و معرفی منابع این دوره را به ایشان مدیونم.

مهندس خسرو شهبازی که همراهی مسئولانه ایشان در مسائل ما را به قلمرو دخان مرا از وجود هر شخص دیگری بی‌نیاز ساخت و همچنین برای تهیه بعضی از عکس‌های کتاب زحمت بسیار کشیدند.

دکتر محمدتقی رزازی مدیرکل وقت اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان، برای دسترسی به نقشه‌ها و عکس‌ها و سایر اطلاعات موجود در آن اداره کل و مهندس فاطمه کشاورز خالقی، کارشناس آن اداره کل، آقای محمد حسین مهدی پور، رئیس

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، سرکار خانم فاطمه جعفری و آقای مهدی شعبان نژاد و به‌خصوص مهندس سیدپیام شاعف معاونت حفظ و احیاء، به دلیل همکاری و عملکرد حرفه‌ای و لطف ایشان که به راستی خارج از انتظار من بود و باعث شد علاوه بر دسترسی به نقشه‌ها و تصاویر جدید، مجوز انتشار آن‌ها و همچنین نتایج آزمایش‌های سالیابی ترمولومینسانس آجرها و پراش پرتو ایکس مصالح دژ را طی نامه شماره ۴-۹۳۷۷-۱۴۱ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۷ از رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان اخذ کنم. اگر چه پس از دریافت اطلاعات فوق توجه کردم که پیشنهادهای نگارنده در پیش‌نویس ارسالی به آن سازمان در نحوه شماره‌گذاری، طرح‌های دژ و تغییرات اعمال‌شده در برخی نقشه‌ها برای وضوح بیشتر، مد نظر تولیدکنندگان نقشه‌های جدید آن سازمان قرار گرفته است، بدون ذکر نامی از اینجانب؛ البته بدیهی است که این امر ابداً از ارزش همکاری آقایان مهدی پور و شاعف کم نمی‌کند.

استاد بزرگوارم دکتر محمدرحیم صراف، که چند سال پیش، زمانی که با ایشان درس باستان‌شناسی بین‌النهرین داشتم، نحوه استخراج و طراحی و تولید جدول را در کلاس درس ایشان آموختم که بعدها روش فوق در سروسامان بخشیدن به عناصر پراکنده دژ قلعه رودخان بسیار ثمربخش بود.

دوستان عزیزم محمدرضا حاج‌حیدری و معصومه یاسینی علیرغم اقامت در خارج کشور، همچنین مهندس فرانک بحرالعلومی، دکتر عبدالحمید رضایی، اسماعیل میرسید مسئول اجرایی اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی ایران، آقای محمدتقی پوراحمد جکتاجی، مدیر مسئول نشر گیلکان و همکار عزیزم آقای سیدنواب علوی که در بخش‌های گوناگون کتاب هریک به نوعی به یاری من شتافتند، خانم شهرناز اعتمادی ویراستار مرکز نشر دانشگاهی که زحمت ویرایش کتاب را تقبل کردند و آقای محمدعلی مخلصی، مدیر انتشارات گنجینه هنر که مسئولیت چاپ کتاب را بر عهده گرفتند.

آقای امیر رستمی از عکاسان خانه عکس ایران که لطف بی‌دریغ‌شان به من و

خانواده‌ام از بهترین خاطرات روزهای سخت اقامت در دژ است. دختر دایی عزیزم نرگس خاتون اسماعیلی و خانواده محترم ایشان، به‌خصوص بابک عزیز که در سفرهایم به گیلان پذیرای من و خانواده‌ام بودند. نگهبانان دژ به‌خصوص آقای معصومی و خانواده محترمشان، به‌خصوص امین و امیر که حضورشان در دژ با سن کم و صفای بی‌نظیر باعث دلگرمی بود. برادر آقای معصومی که هدایت ما را در جنگل انبوه قلعه رودخان در آن شب تاریک بر عهده گرفت و خاطره‌ای از یاد رفتنی برای من خلق کرد. و بالاخره پسر کسری که در طول پژوهش و سفرهایم به دژ کنجکاو و صبور بود. از او به‌خصوص سپاسگزارم که زندگی در کنار زنی را تاب می‌آورد که پیوسته در تلاش است بین عشق مادرانه و شور دانشجویی پلی بزند. هنگامی که این کتاب مراحل چاپ را طی می‌کرد، خبر درگذشت ناگهانی دکتر آذرنوش همچون شوکی جامعه‌ی باستان‌شناسی ایران را متأثر کرد. ایشان مشوق من در چاپ این کتاب بودند و مراحل آن را پیگیری می‌کردند. حتی مقدمه‌ای بر آن نوشتند. آرزو داشتم که ایشان نتیجه‌ی کار را می‌دیدند. افسوس! اکنون کتاب قلعه رودخان را به یاد و خاطره‌ی استادام تقدیم می‌کنم که انسانی والا و باستان‌شناسی بی‌نظیر بود.

ادر صادقی‌نژاد مقدم

۱۳۸۶